

آقای داریوش سالاری که تحصیل کرده رشته حقوق و علوم سیاسی در هندوستان هستند و با نواختن سیتار و سایر سازهای هندی آشنایی دارند، در زمره بهترین سنتورسازان نیز هستند و سنتورهایی که ایشان ساخته اند از بهترین سازهاست. امیدوار دوستداران سنتور از مقاله ایشان که حاوی نکته های تازه ای است استفاده های لازم را ببرند (مقام).

از آنجا که تکامل امری طبیعی در هنرهای اسلامی ست و بررسی این تکامل کمک به نوآوریها می کند. در اینجا لازم است ذکری در مورد ساخته های مسلمانان از شروع هزاره

دوم میلادی تاکنون به میان آید. و ما تکامل سنتور را انتخاب نموده ایم و اجمالاً توضیح می دهیم.
سنتور یا «شاهان تور» سازتست مضرابی که اشکال ساده آن را به بابلیان منسوب کرده اند. یا ورود هند و اروپائیان به ایران و بابل (۱۷۰۰ قبل از میلاد) و به وجود آمدن اقوام کاسیت و سپس به قدرت رسیدن پارسیها (ساسانیان - ۶۴۱ تا ۲۲۶ میلادی) پایه و اساس (سازهای پایه) ریخته شد و می توان ادعا نمود که سازهای کنونی جهان بخصوص خاورمیانه قدیم (ایران بزرگ) و اروپا به نوعی رابطه به سازهای آن دوران هستند که ما در فرصتی مناسب به آنان

کلیات
موسیقی در ایران

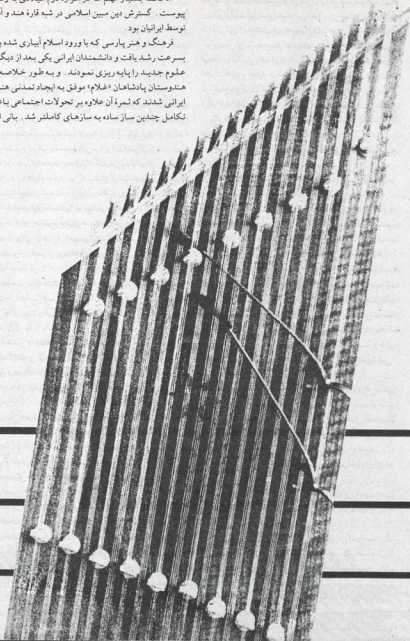
سنتور و تغییرات تدریجی

• داریوش سالاری

خواهیم پرداخت.

اما نکته بسیار مهم که در هزاره دوم میلادی به وقوع پیوست. گسترش دین مبین اسلامی در شبه قاره هند و آسیا توسط ایرانیان بود.

فرهنگ و هنر پارسی که با ورود اسلام آبیاری شده بود بسرعت رشد یافت و دانشمندان ایرانی یکی بعد از دیگری علوم جدید را پایه ریزی نمودند. و به طور خلاصه در هندوستان پادشاهان «غلام» موفق به ایجاد تمدنی هند و ایرانی شدند که ثمره آن علاوه بر تحولات اجتماعی باعث تکامل چندین ساز ساده به سازهای کاملتر شد. بانی این



تعمول ایران خسرو مدعوی شاعر و موسیقیدان هنری - ابراهیم تیار بود (۵۰۱-۷۵۰ هجری قمری).

از آنجا که قبل از امیر خسرو، کلیشه سازها دارای روده ای یا بریشیمین بودند. و اکثر این سازها حکم همراهی یا خواننده را داشتند. در نتیجه تکنیک‌های نوازندگی بسیار ساده و ابتدایی بوده است و بدین ترتیب سازهای روده ای می توانستند سه اکتا و صداتی (فهرت حنجره در خوانندگان کامل) را داشته باشند.

اما برای اولین بار در تاریخ سیم فلزی توسط صنعتگران آن دوره موجود آمد و توانست جای روده و ابریشم را بگیرد (صنعت سیم توسط اروپائیان از آسیا به اروپا برده شد) امیر خسرو در این راستا چنین ساز را متکامل کرد.

در سال ۱۷۹۳ در محقق انگلیسی به نامهای آگوست ویلارد و ویلیام جونز در کتابشان از امیر خسرو به عنوان سازنده سیتار (سه تار) و سارود (سه روده) نام برده اند. در کتاب (مراقب نعمات) نوشته توباب علی خان در لکهنو، سبک های متنوع آوازی همچون در ویداد، تپیه، غزل، ترانه-توقالی و غیره را منسوب به دوره امیر خسرو و است. و این تحولی بود که زبان و ادبیات و هنرهای سرای در آن منطقه ایجاد کرد.

ساخت طبله هندی که ساز کوبه ای قابل کوک است، نیز از ابتکارات امیر خسرو مدعوی ست. ساز ارشه ای سارنگی و ساز باغچه بنای نیز از جمله سازهای است که در زمان وی متحول گردید.

سنتور یا شاهان تور نیز در زمان امیر خسرو، دارای و ترهای فلزی گردید. بطور کلی در هنرهای اسلامی و ایرانی هنرمندان ایرانی، به سه عامل بزرگ خلاصیت، ابهام بخش کاراکتر و شخصیت ابداعات بشمار می رفته است.

زمین، دریا، آسمان، این سه عامل دارای شخصاتی همچون حجم و شکل و اندام رنگ و نام- و صوت و صدا هستند. به طور مثال در سازهای زخمه ای اندام پرندگی و سینه و دانه دارند، مهدود است. اصوات آوازی و گوشه و همچنین اصوات پرنندگان خوش آواز، از آنان به گوش می رسد.

سنتور نیز از این قاعده مستثنا نیست.

شخصیت سنتور: بطور خلاصه و ساده منظور از «تور» ماهیگیر نیست. که شکل آن شامل شده است سیم های سنتور در ردیف های موازی و مورب است. و صدای سنتور، صدای برخورد امواج دریا و صخره هاست که به طور الهام حالات روحی و روانی مختلف بشری را بر می انگیزد. و علاوه بر صدای رمز و زاردارش حکایت از آزادی و رهایی و شور زندگی می کند.

در ستورهای کشمیری که می توان گفت مادر ستورهای کنونی ایران هستند، صدای وعد و برف- صدای یاد و

طوفان- صدای برخورد امواج- صدای شکستن کشتی و غوطه ور شدن در آب- بریش باران و خروار حشرات امیام، بخش نوازندگی سنتی سنتی هند می باشد. در ستورهای کامل شده ایرانی که تا اندازه ای تپیه سازهای غربی را به خود گرفته کم و بیش این شخصیت نهفته است. اما حالات گوشه و لهجه ای تکامل یافته تر و انسانی تر است. بطور کلی چند تکنیک قدیم و جدید در ستور نواری اجرا می شود:

۱- خفه کردن صدا: که با یک دست نواخته و با دست دیگر صدا خفه می شود.

۲- فشار بر سیمهای پشت شرک: که با فشار انگشتان یک دست در پشت شرکها تغییر صدا داده می شود.

۳- کشیدن مضارب های فلزی و با چوبی بروی سیم ها که تکنیکی قدیمی است.

۴- ریزنواری: که توسط مضارب های سبک و انگشتی در یکصد سال اخیر معمول شده است.

۵- جابجیا کردن کرکها برای مودولاسیون و تغییر مقام که باز در یکصد ساله اخیر معمول شده است. چگونه سنتور وارد تهران شد؟ قبل از شروع این مبحث باید گفت که در قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی، محققین انگلیسی موسیقی ایرانی را جزو موسیقی هند آریایی به حساب آورده و موسیقی ایران را جزو موسیقی هندوستان اما با تقسیم بندی پارسی ذکر کرده اند. در کتاب ویلیام جونز که همزمان با دوره ضمیمه به

مهاجرت هنرمندان به دیگر نقاط جهان شده و طبق تحقیق از موسیقیدانهای مهاجر، آنان از «مقامات پارسی» سخن گفته اند. آگوست ویلارد انگلیسی، در کتاب خود به نام «موسیقی هندوستان» که در سال ۱۷۹۳ به چاپ رسیده، نوشته است: «مقامات پارسی، موسیقی ایران را تشکیل داده است که آن هم دو دوازده مقام براساس دوازده امام شیعان است و وی در دو صفحه (۸۲-۸۵) آن خود آورده است:

مقامات پارسی، دارای دوازده مقام و هر مقام دارای دو شعبه و هر شعبه دارای چهار گوشه است. در اینجا من تنها از این دوازده مقام یاد می کنم و چون بحث از مسیر خود خارج خواهد شد بررسی این مقامات را به وقت دیگر موقوف می کنم.

مقامات پارسی: ۱- رهاوی. ۲- حسینی. ۳- دراست. ۴- حجاز دشریز. ۵- ترک چوک. ۶- عراق. ۷- اصفهانی. ۸- اصفهانک. ۹- اذنا. ۱۰- عشاق. ۱۱- زنگوله. ۱۲- بولسلیک.

در دنباله بحث، با سلطنت شاهان قاجار در تهران و رونق آن سلسله، دانستن موسیقی ایرانی شروع می شود. تا گفته نماد در یکصد و هشتاد سال پیش زلزله ای شدید، ری را ویران می کند و برخی از مردمان ری به حوالشی ضمیمه را به

تهران کوچ می کنند و بعد از ورود قاجار، این منطقه تبدیل به یک منطقه مهاجرنشین می شود و اقوام مختلف ایرانی، رفته رفته جذب تهران می شوند. به همین خاطر کلیت قالب در موسیقی سنتی ترک سبت از موسیقی فولک نقاط مختلف. و حالات گوشه و لهجه ای موجود در این اقلیم ها در ردیف های میرزا عبدالله و درویش خان و دیگران تأثیر می گذارد.

به زمانی ساده تر، می توان موسیقی سنتی ایرانی را موسیقی سنتی تهرانی به حساب آورد. در مورد ستورهای اولیه یا سیم های فلزی که از هند وارد دربار قاجاریه شد، چنین وجه مشخصه دیده می شد. ارتفاع ساز بیش از ده سانت و دو ضخامت سیم صدای کم ایجاد کرد. و این ستور دارای دو مضارب فلزی بود که به شرح به شرح می آید.

از آنجا که سلیقه ایرانیان، با هندیان فرق می کند، مضارب های فلزی تبدیل به مضارب های چوبی قاشقی شد. چون هنوز سیستم پل گذاری برای گرفتن صدا بهتر ابداً نشده بود صدای چوب هنگام برخورد مضارب با سیم ها به شدت تندی می شد.

تکنیک ریزنواری، تکامل نیافته بود و مضارب ها به صورت مقطع (تک تک)، بروی سیم ها فرو می آمد.

علت دسترسی به سیم فلزی در هند، ستور کشمیری دارای دو اکتا و نیم الی سه اکتا صدا بود و ردیف خرکهای بلند که شبه مهره های شطرنج بودند، نوت های ستور را تا سازده خرک تعیین می کردند و از اکتا پشت خرک خبری نبود.

اما نوازندگان ایرانی سرتی از اکتا-سوم-سوم-بالای ستور می توانستند استفاده کنند و نهایتاً دو اکتا صدای را به کار می گرفتند. و بر این تغییر مقام، خرک ها را جابجا می کردند، و اگر احتیاجاً سیم ها فرسوده می شد، مجبور بودند سیم را از هند تهیه کنند. و هر از گاهی چون نمی توانستند سیم تهیه کنند. از روده یا ابریشم تافتاده در خرک های پایین و سیم استفاده می شد.

سیم های دو ردیف آمده بودند و هنوز از سیم های زرد و قرمز مسین خبری نبود. نوازندگان درباری در زمینه ساخت و تعمیر سازها از تجاران ارمنی و بخصوص تجاران جلفای اصفهان که در کار گریه و مبت و تیغ کشن کار می داشتند، مدد می خواستند بعدها همین تجاران تبدیل به

سازندگان ساز شدند. بعضی از پیوهیدان اصفهانی نیز در جوار ارابه به تهران آمده و جزو سازندگان اصفهانی تیار در گل سنتور که شبه ستاره شش بر داوودی ست، یادگار پیوهیدان آن زمان است. مسلمانان که در دوران ضمیمه از ساختن و نواختن ساز منع شده بودند، مبادرت به ساخت ساز نیمی کردند و اگر هم می کردند از بروز آن به شدت خودداری می ورزیدند.

روایت است که محمدصادق خان ملقب به ستور خان، ستور را از نوازندگان هندی فراگرفته است. اما نام آن نوازندگان معلوم نیست.

قدر مسلم نوازندگان و استادان بنام آن زمان در اواخر سلطنت اورنگ زیب آخرین پادشاه مغول ایرانی، حدود سالهای ۱۸۵۰ تا ۱۸۵۸ یعنی یکصدوپنجاه سال پیش دو موسیقیدان معروف و دارای ردیف موسیقی هندی (گت) بنامهای سببت خان و رضاحان بوده اند و احتمال می رود نوازندگان ایرانی، ستور را از آنان فراگرفته باشند. یا بست نخست درویش خان دو سفارت انگلیس و کمک سفیر انگلیس به ایشان به خاطر تخطی درویش خان از اوامر ملوکانه نواختن ساز برای مردم غرب درباری، موسیقی در تهران شکل دیگری به خود گرفت و رفته رفته، نوازندگی و خوانندگی به کمک شعر و موسیقیدانان عموماً بیشتری یافت.

این فرصتی برای سازندگان ساز بود تا تغییراتی به سازها داده و یسرفی حاصل کنند. تار سینه ای که از آذربایجان به تهران آمده بود، ابتدا مانند تار قفقازی ۹ وتر داشت، اما نوازندگان تهرانی، آن را ابتدا پنج و سپس بعد از ورود سیم های طرف فلزی از فرانسه و احتمالاً از انگلیس که به ورود برق به تهران همزمان بود تبدیل به شش سیم فلزی کردند، و رفته رفته، تار کاسه را از شکل سینه ای تبدیل به شکل زائوسی کردند. به همین منوال کمانچه نیز بازرگی که قدیمی بیش از هزار و هفتصد سال قبل از میلاد دارد، و متعلق به دوران کاسیت هاست، به تقلید از نوازندگی ترک آذربایجان «بست سینه شد» و چهار سیم به جای سه سیم قبلی پیدا کرد. تکنیک با خسیک که قبل از قاجاریه توسط نوازندگان سیمای پوست با نفیره ای بلند استفاده می شد، تغییر یافته و تنک شبیری با نفیره ای کوتاه تر، به کار برده شد. اما تکنیک نوازندگی آن با انگشتان بسته انجام می گرفت و بسیار ابتدایی

